



# شخصیت اخلاقی امیر المومنین علیه السلام

محمد مهدی مرادی

**اشاره** بهترین و کامل ترین نمونه حکومت اسلامی پس از حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حکومت مولای متقیان علی علیه السلام است. سیاست وی، سیاست راستین اسلام است و از تعالیم عالی اسلام سرچشمه می گیرد.

شاخص های اخلاقی زمامداران در آموزه های وحیانی و سیره و معارف ائمه علیهم السلام به ویژه حضرت علی علیه السلام از جایگاهی بس رفیع برخوردار است؛ تا آنجا که حضرت در بسیاری از نامه های خود به زمامداران در سر تاسر قلمرو حکومت اسلامی با عناوینی گوناگون ویژگی های ضروری را گوشزد می کردند. این پژوهش در پی آن است که با استناد به سیره حضرت علی علیه السلام بارزترین ویژگی ها و شاخص های اخلاقی زمامداران را بیان کند.

## مقدمه

در تربیت انسان و رشد جامعه، عوامل مختلفی تأثیرگذار است که هر یک به نوعی در شکل دهی شخصیت انسان و چگونگی جامعه نقش ایفا می کند؛ اما در این میان اثرگذاری حاکمان و زمامداران نیز بسیار اهمیت دارد. این مهم هم در فرضیه های علوم اجتماعی و سیاسی مطرح شده است و هم شواهد تاریخی فراوانی دارد.

فرضیه مذکور بر این مبنا استوار است که اگر حاکمان و مسؤولان، صالح و متعهد باشند، مردم نیز به پیروی از آنان به تدریج مسیر صلح و صلاح را در پیش می گیرند؛ به عکس، اگر زمامداران فاسد و مسؤولان قانون گریز باشند، این آفت یا بیماری به جامعه نیز سرایت خواهد کرد و مردم را هم به انحراف می کشاند.

## وضعیت خوراک و پوشاک

از جمله موارد اخلاقی، توجه به خوراک و پوشاک زمامدار و حکومتیان است که طبق موازین اسلامی باید با وضعیت قشر متوسط به پایین یکی باشد.

حضرت علی علیه السلام در این باره گوی سبقت را از همه ربنوده و خوراک و پوشاکی داشته اند که هیچ تهیدستی از آن استفاده نمی کرد.

امام علیه السلام در پاسخ «عاصم بن زیاد» که به آن حضرت عرض کرد: شما چرا به خوراک سخت و پوشاک درشت، اکتفا نموده ای و این چنین بر خود سخت گرفته ای؟ فرمود: وای بر تو! خدای عزوجل بر پیشوایان عادل واجب کرده است که خود را در ردیف مردم ضعیف و ناتوان گیرند، تا فقر و تنگدستی، فقیر را از جا به در نبرد!

۱- الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۴۱۱



روزی حضرت، قنبر را امر کرد که مردی را حد بزند. قنبر تحت تاثیر احساسات، سه تازیانه اضافه زد. علی علیه السلام آن مرد را وادار کرد که برای جبران آن زیاده، قنبر را سه تازیانه بزند.<sup>۵</sup> علی علیه السلام با مشاهده کوچک‌ترین انحراف از نمایندگان و کارگزاران خویش، به شدت دلتنگ می‌شد و با ارسال نامه‌های شدیدالحن آنان را به خطای خویش متوجه می‌ساخت. این نامه‌ها فراوان است.

### عدالت خواهی و عدالت محوری

از دیگر سیاست‌های راهبردی امام علی علیه السلام در سبک زندگی ایشان، عدالت‌خواهی و عدالت‌محوری است. همین عنصر نیز بسیاری را از وی و حکومتش دور می‌کند؛ زیرا اجرای عدالت در حق خود و خویشان بسیار دشوار است؛ این در حالی است که آموزه‌های اسلامی تاکید دارد که عدالت را حتی در حق دشمنان چنان اجرا کنید که به کسی ظلم نشود. رفتار حضرت علیه السلام را با یکی از شاعران معروف که نخست از یاران ایشان بود، بررسی می‌کنیم. نام این شاعر «نجاشی» است. وی در جنگ صفین شاعر امام علیه السلام بود.

پس از جنگ صفین هنگامی که در کوفه بود در روز اول ماه رمضان به شاعر دیگری به نام «ابوسمال» برخورد، او نجاشی را به خانه خود فراخواند و وسوسه‌اش کرد و هر دو باهم به باده‌نوشی پرداختند. این خبر به امام علیه السلام رسید، جمعی را فرستاد تا آن دو را دستگیر کنند. ابوسمال خود گریخت، ولی نجاشی گرفتار شد و او را نزد امام علیه السلام بردند. امام علیه السلام فرمود او را ۸۰ تازیانه زدند، پس از آن ۲۰ تازیانه بر آن افزودند. نجاشی رو به امام علیه السلام کرد و گفت: یا امیرالمؤمنین! آن چه به عنوان حد بود، دانستم، ولی نفهمیدم ۲۰ تازیانه اضافی برای چه بود! فرمود: برای گستاخی تو نسبت به پروردگارت و روزه خوردن در ماه رمضان.<sup>۶</sup>

این سخت‌گیری‌ها در اجرای عدالت نه فقط طلحه و زبیر و طارق و نجاشی و... را از وی رنجانید بلکه برادرش عقیل بن ابی طالب و پسر عمش عبدالله بن عباس را هم ناخشنود کرد.

### مبنای نگرش اخلاقی امیرالمؤمنین علیه السلام به سیاست

در نظام اخلاقی حضرت علی علیه السلام غایت نهایی «آخرت» است. هدف تمام اندیشه‌ها و افعال امام علیه السلام کسب سعادت اخروی و نزدیکی به خداست. او در این زمینه دژهای کوتاه نمی‌آمد و غایت اخروی افعال خود را هیچ‌گاه از نظر دور نمی‌داشت. در عرصه سیاسی نیز، اخلاق و سیاست امام علی علیه السلام اخلاق و سیاستی آخرت‌گراست و به همین دلیل در گستره اخلاق، امام علیه السلام هیچ‌گونه مصالحه‌ای را نمی‌پذیرد.

حضرت تفاوت خود با کسانی چون معاویه و عمروبن عاص را در توجه خویش به آخرت و غفلت آنان می‌داند و غافلان از آخرت نمی‌توانند پیرو حق باشند. ایشان در این باره می‌فرمود: فرق من و عمروبن عاص در این است که یاد مرگ نمی‌گذارد به فکر بازی و لپو باشم و فراموشی آخرت نمی‌گذارد او حق را بگوید.<sup>۷</sup>

حضرت علیه السلام درباره معاویه می‌فرمود:

به خدا سوگند، معاویه زیرک‌تر (سیاست‌مدارتر) از من نیست، لیکن شیوه او

۵- کلینی، کافی، ج ۷، ص ۲۶۰

۶- الفارات، ج ۲، صص ۵۳۶-۵۳۳

۷- نهج البلاغه، خطبه ۴۲

ابن عباس می‌گوید: روزی بر امیرمؤمنان علی علیه السلام وارد شدم، در حالی که آن حضرت نعلین خود را پینه می‌زد. عرض کردم: ارزش این کفش چیست، تا آن که تو خود آن را پینه زنی؟ فرمود: به خدا قسم این کفش نزد من از دنیای شما یا از حکومت شما محبوب‌تر است! مگر این که حقی را بر پا دارم یا باطلی را دفع کنم.<sup>۲</sup>

علی بن ابراهیم از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: به خدا سوگند علی علیه السلام چنان غذا می‌خورد و چنان می‌نشست که برده‌های می‌خورد و می‌نشیند. او دو پیراهن سنبلانی می‌خرد و بهترین آن را برای غلامش اختیار می‌کرد و هر گاه آستین آن از انگشتانش تجاوز می‌کرد، آن را قطع می‌نمود و اگر از کعبش تجاوز می‌نمود آن را کم می‌کرد، او پنج سال حکومت کرد و اجر بر روی اجر [برای ساخت خانه‌های شخصی] نهاد.<sup>۳</sup>

### دنیابگریزی

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در طول دوران حکومت خود، به مبارزه با «دنیابزدگی» و «رفاه‌طلبی» که مسلمانان به آن دچار شده بودند، پرداخت و با بیان جایگاه واقعی دنیا، آنان را به زهد و دوری از دنیا و توجه به آخرت ترغیب کرد؛ چراکه ریشه همه مفاسد و گناهان، حب دنیاست.

براین اساس هر عملی که دنیا و اهداف و منافع دنیوی را بر آخرت و سعادت اخروی انسان ترجیح دهد، مردود است. هیچ‌گونه هدف محض دنیوی در سیره و مشی حضرت علیه السلام چه در زمان خلافت و چه در زمان خانه‌نشینی نبوده و آن چه برخی به اشتباه از آن به رفاه دنیوی تعبیر می‌کنند چیزی جز سعادت اخروی نبوده است. در نتیجه هر عملی که به سعادت اخروی انسان بینجامد، پسندیده و هر عملی که به زیان اخرویش انجامد، ناپسند است. این نکته در تمام حوزه‌های زندگی سیاسی، اجتماعی و فردی حضرت علیه السلام حاکم است.

در این باره حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «دنیا! از من دور شو که مهارت بر دوش نهاده است گسسته و من از چنگالت به درجسته‌ام و از ریسمان‌هایت رسته و از لغزشگاه‌هایت دوری گزیده‌ام. کجایند مهربانی که به بازیچه‌های خود فریب‌شان دادی؟ کجایند مردمی که با زیورهای دام فریب بر سرراه‌شان نهادی؟ آن‌ها در گورها گرفتارند و در لابه‌لای لحدها ناپایدار.»<sup>۴</sup>

### رعایت حدود الهی در سیاست

بُعد مهم دیگری که می‌تواند در زمینه اخلاق سیاسی، اندیشه سیاسی حضرت علی علیه السلام را تبیین کند، تأکید وی بر ضرورت رعایت حدود الهی از سوی حکومت است. توجه به حدود الهی در سیاست، سیاست را به طور کامل اخلاقی می‌کند و زمامداران را از توسل به روش‌های غیراخلاقی در پیشبرد اهداف سیاسی باز می‌دارد. امام علیه السلام هدف سیاست را نیز اجرای حدود الهی می‌شمارد. در نتیجه، برای رسیدن به اهداف سیاسی، زیرپا گذاشتن حدود الهی را به هیچ وجه روا نمی‌داند. طبیعی است که این امر به خودی خود می‌تواند زمینه حاکمیت اخلاق در حوزه سیاست شود.

حضرت در کار دین، سخت‌گیر و بی‌اغماض بود. همین عامل او را برای بعضی از اهل زمانه تحمل‌ناپذیر کرده بود.

۲- منهای البراعه فی شرح نهج البلاغه (خوئی)، ج ۴، ص: ۱۴۷

۳- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۱، ص: ۱۰۲

۴- انساب الأشراف، ج ۲، ص ۳۹۱؛



این فراز از زندگی آن حضرت نشان می‌دهد که او تا چه میزان خود را مسؤول یتیمان و فرزندان «شاهد» می‌دانست، ولی در عین حال در کنار محبت و انجام مسؤولیت عاطفی، مسائل تربیتی و بازسازی اخلاقی آنان را نیز فراموش نمی‌کرد و می‌فرمود: همچنان که فرزندان خود را تربیت می‌کنید، یتیمان را نیز ادب کنید، و همان‌گونه که در هنگام نیاز فرزندان خویش را می‌زیدید، از یتیمان نیز غفلت نکنید.<sup>۸</sup>

### اصل مساوات؛ اساس حکومت

بعضی از یاران امام علیه السلام پس از ملاحظه بذل و بخشش‌های معاویه به اطرافیان‌ش، به امام علیه السلام گفتند: ای امیرمؤمنان! مردم عموماً علاقه‌مند به دنیا هستند و برای آن تلاش می‌کنند، اگر از بیت‌المال مقداری بیش‌تر به اشراف عرب و قریش می‌بخشیدی، وضع بهتر می‌شد و پراکندگی به وجود نمی‌آمد و بهتر می‌توانستی در بین رعیت عدالت به خرج دهی و سرانجام بیت‌المال را به طور مساوی تقسیم کنی!

حضرت علیه السلام هنگامی که دید رعایت مساوات در عطایای بیت‌المال مورد اعتراض جمعی از یارانش قرار گرفته و آن را برخلاف سیاست دانسته‌اند، فرمود: آیا از من می‌خواهید که برای پیروزی خود، از جور و ستم، در حق کسانی که بر آن‌ها حکومت می‌کنم استمداد جویم؟

به خدا سوگند تا عمر من باقی و شب و روز برقرار، و ستارگان آسمان در پی هم طلوع و غروب می‌کنند هرگز به چنین کاری دست نمی‌زنم. اگر اموال از خودم بود، به طور مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم، تا چه رسد به این که این اموال، اموال خدا است. آگاه باشید! بخشیدن مال در غیر موردش تبذیر و اسراف است، این کار ممکن است در دنیا باعث سربلندی انجام‌دهنده آن شود ولی در آخرت موجب سرافکندگی وی خواهد شد، احیاناً در میان مردم (دنیاپرست) گرمی‌اش می‌نماید ولی در نزد خدا خوارش می‌سازد، هیچ کس مال خویش را در غیرراهی که خداوند فرموده مصرف نکرد و به غیر اهلش نسپرد، جز این که سرانجام خداوند او را از سپاسگزاری آنان محروم ساخت و محبتشان را متوجه دیگری نمود، پس اگر روزی پایش بلغزد و به کمک آنان نیازمند گردد، بدترین رفیق و ملامت‌کننده‌ترین دوست خواهند بود.<sup>۹</sup>

### نتیجه‌گیری

در بحث حکومت‌داری از دیدگاه شرع مقدس اسلام و سیره معصومین علیهم السلام و به صورت خاصه سیره علوی علیه السلام به عنوان نمود بارز حاکمیت اسلام، نه‌تنها اخلاق اجتماعی برای مدیریت، مورد نیاز است بلکه اخلاق فردی نیز در این قضیه مهم، اثرگذار است. امیرالمؤمنین علیه السلام در حکومت کوتاه خود، جلوه بارز اخلاق مداری فردی و اجتماعی را به نمایش گذاشتند و با تأسی به وحی و سنت نبوی صلی الله علیه و آله، مدل حاکمیت اسلام را برای زمامداران اسلامی در طول تاریخ به یادگار نهادند. اقتصاد و فرهنگ، از مهم‌ترین ارکان حکومت‌داری زمانه امیرمؤمنان علیه السلام در رفتار فردی و اجتماعی ایشان بود و بایسته است تا حاکمان و مدیران نظام اسلامی آن را در حیطه مدیریتی خود به اجرا گذارند.

پیمان‌شکنی و گنه‌کاری است [و برای رسیدن به هدف خویش مرتکب انواع گناه و خیانت می‌شود]؛ و اگر پیمان‌شکنی ناپسند و ناشایست نبود، زیرک‌تر از من کسی نبود (من در این میدان نیز سیاست‌مدارترین مردم بودم). اما هر پیمان‌شکنی گناه است و هر گناهی نوعی کفر. روز رستاخیز، پیمان‌شکن را درفشی است افروخته و او بدان درفش شناخته. به خدا، مرا با فریب غافلگیر نتوانند کرد و با سخت‌گیری ناتوانم نتوانند.<sup>۸</sup>

### ممنوعیت تملق گویی

حضرت علیه السلام از چاپلوسی و ستایش و کرنش بیزار بود، حتی مدح آمیخته به تملق را نیز از عیوب اخلاقی می‌شمرد و در مقابل رفتار و گفتار ذلت‌آمیزی که منافعی با عزت و شرف انسانی بود، سکوت نمی‌کرد و اگر کسی مرتکب چنین عمل غیر اخلاقی می‌شد از او انتقاد می‌کرد.

روزی یکی از اصحاب او را مدح کرد، حضرت علیه السلام به شدت او را از این عمل منع کرد و در خطبه‌ای بعد از جنگ صفین فرمود: بدانید از بدترین حالات زمامداران، نزد صالحان، این است که گمان برده شود که آنان فریفته تفاخر گشته و کارشان شکل برتری جویی، به خود گرفته است؛ من از این ناراحت‌م که حتی در ذهن شما جولان کند که من مدح و ستایش را دوست دارم و از شنیدن مدح و ثنا خوشم می‌آید. من چنین نیستم.<sup>۹</sup>

### کمک به نیازمندان، ستم‌دیدگان و طبقات پایین جامعه

بیش‌ترین سفارش حضرت علی علیه السلام به کارگزاران خود درباره رعایت حقوق طبقات پایین و قشرهای محروم جامعه بوده است. وصیت علی علیه السلام به مالک درباره طبقه فروتر جامعه از حیث منزلت اجتماعی و اقتصادی چنین است: سپس طبقه اهل حاجت و مسکنت‌اند، که لازم است عطایا و اعانت و یاری ایشان.<sup>۱۰</sup>

امیرالمؤمنین علیه السلام روزی زنی را مشاهده کرد که مشک آبی را به دوش گرفته و با زحمت و مشقت آن را حمل می‌کند؛ از آن بانو درخواست کرد که ظرف سنگین آب را در اختیار وی قرار دهد... علی علیه السلام مشک را برداشت و از احوال زن پرسش نمود، معلوم شد شوهر وی از سربازان شهید اسلام در رکاب آن حضرت بوده است، و هزینه زندگی فرزندان شهید باعث کار آن زن و آب‌کشی به خانه دیگران گردیده است. حضرت علیه السلام سحرگاه زنبیلی پر از خرما و روغن و آرد و گوشت... را به دوش گرفت و به خانه مزبور حمل کرد.

علی علیه السلام پس از در زدن و اجازه گرفتن به طور ناشناخته وارد خانه شد، و پیشنهاد فرمود زن اجازه دهد یا او بچه‌ها را به بازی گرفته و مشغول کند، و با به خمیر کردن و نان پختن بردازد؛ زن گفت: شما بچه‌ها را مشغول کنید، من به کار خمیر کردن و پختن نان می‌پردازم، خدا از تو راضی شود، و بین من و «علی بن ابی‌طالب» حاکم گردد!

حضرت علی علیه السلام مقداری گوشت را پخت و با خرما و غیره بر دهان بچه‌ها گذاشت، و هر بار که لقمه‌ای را به آنان می‌خورانید می‌فرمود: ای فرزندانم! علی را حلال کنید.<sup>۱۱</sup>

۸- خطبه ۲۰۰ بهج البلاغه (للصبحی صالح)، ص ۳۱۸

۹- الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۸، ص ۳۵۵

۱۰- تحف العقول، النص، ص ۱۳۲

۱۱- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۱، ص ۵۲

۱۲- وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۷۹

۱۳- حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار علیهم السلام، ج ۲، ص ۲۸۳